

آثار و پیامدهای گناه در آینه دین و روان‌شناسی

محمد زارعی توپخانه*

عذری یاری شریفی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی آثار و پیامدهای گناهان در آینه دین و روان‌شناسی است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، سراغ متون دینی و روان‌شناسی رفته است؛ نقش گناه در نزول بلا را بررسی کرده و به تبیین رابطه بین گناه و نزول بلا پرداخته است تا با آگاهی دادن به مخاطب در زمینه بلاخیز بودن گناه، زمینه دوری از گناه را فراهم آورد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که گناه در قالب عناوینی همچون تغییر نعمت، اجابت نکردن دعا، احباط عمل، نقت، آسیب‌های روانی - شخصیتی، کاهش عزت نفس، و کاهش شادکامی، بلا را محقق می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: گناه، بلا، نعمت، احباط، نقت، آسیب روانی.

مقدمه

دو رویکرد دینی و روان‌شناختی، آثار و پیامدهای گناهان را بررسی کند و با نگرشی نو، به تبیین بلاساز بودن گناهان بپردازد. پرسش‌های پژوهش عبارت است از: آیا گناه موجب نزول بلا می‌شود؟ بلا چگونه با ارتکاب گناهان تحقق می‌یابد؟

گناه و اسباب آن

واژه «گناه» (ذنب) در زبان عربی، در اصل به معنای گرفتن دم حیوان و مانند آن است. به هر فعلی که عاقبتش وخیم باشد «ذنب» گویند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۴). در اصطلاح، واژه گناه، بر بزه، نافرمانی و تبه‌کاری اطلاق می‌شود (حسینی دشتی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۹۰۴) و منظور این است که ایشان مرتکب عملی شود که با دستورات خداوند و پیامبران و امامان معصوم سازگار نباشد. به‌طورکلی، علل و اسباب رفتارهای انسانی از جمله گناه را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱. وراثت

از جمله عوامل زمینه‌ساز رفتارهای شایسته و ناشایسته انسانی وراثت است که تأثیر آن از نظر شرع مقدس و علم تجربی به اثبات رسیده است. وراثت به‌طورکلی، یعنی: انتقال بعضی از خصوصیات والدین یا خویشان آنها به فرزندان، و همین امر سبب شباهت فرزندان به والدین یا خویشان است (شریعت‌مداری، ۱۳۸۵، ص ۵۸). در بین دانشمندان، توضیح‌گرایان از تأثیر اساسی این عامل، طرف‌داری می‌کردند (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۸). ولی به هر روی، تأثیر جنبه‌های ژنتیکی در شکل‌گیری رفتار، از جمله رفتارهای غیراخلاقی، غیرقابل

در عالم طبیعت، قانون عمل و عکس‌العمل حکم فرماست و اعمال انسان نیز از این قانون مستثنا نیست (اسراء: ۷). کسی که دامان خویش را به گناه می‌آلاید باید در دنیا نیز منتظر آثار گناه خویش باشد. برخی از آثار وضعی گناهان به قدری مهم و حادثه‌ساز است که اقوام گنه‌کار پیشین را در کام عذاب و بلا فرو برده است (هود: ۸۲). از جمله آثار وضعی گناه، نزول بلاها و سختی‌ها در زندگی دنیوی است. از آنجاکه نفس آدمی خواهان ارضای نیازهای غریزی خود به هر شیوه ممکن است (قیامت: ۵) و از سوی دیگر، انسان در دوران نوین، به تدریج، از آموزه‌های اخلاق دینی فاصله گرفته است، اطلاع و آگاهی از آثار وضعی گناهان می‌تواند تأثیر فراوانی در جلوگیری از ارتکاب گناه داشته باشد. پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون آثار متعددی در باب گناه و آثار آن به رشته تحریر درآمده است. حقیانی (۱۳۶۵) آثار گناه را در زندگی پس از مرگ بررسی نموده است. فجری (۱۳۸۷) به برخی از آثار گناهان پرداخته و جنبه‌های گوناگون آثار گناه را بازگو نموده است. رسولی محلاتی (۱۳۹۳) آثار گناهان را به طور مفصل در هشت بخش سامان داده است. پژوهش‌های تجربی هم‌گویای این مطلب است که کاهش پای‌بندی به رفتارهای مذهبی، افزایش آسیب‌های جسمانی و روانی را به دنبال دارد. ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۱) دریافتند بین قطع رحم با اختلالات افسردگی همبستگی وجود دارد. بحرینیان و ایلخانی (۱۳۸۱)، رابطه قوی بین اقدام به خودکشی و ترک نماز را به دست آورده‌اند. یافته خسروپور و ساردویی (۱۳۸۱) حکایت از آن دارد که بیماران روانی به ارزش‌های معنوی پای‌بندی مذهبی کمتری دارند. تحقیق حاضر، سعی کرده است با

۱، ص ۲۲۸). پژوهش‌های متعدد در ایالات متحده، گویای این مطلب است که محیط آلوده، اعم از محرک‌های دیداری و شنیداری یا دوستان ناباب، زمینه بسیاری از انحرافات اخلاقی را در غرب پدید آورده است (مؤسسه رشد جوان، ۱۳۹۳). در روایات اهل بیت علیهم‌السلام تصریح شده که هر انسانی در بدو تولد، دارای فطرت توحیدی است، ولی بر اثر نوع پرورش و محیط اطراف، یهودی یا مسیحی می‌گردد (منحرف می‌شود). در روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «هر نوزادی بر فطرت پاک توحید (و اسلام) متولد می‌شود، جز اینکه پدر و مادر، او را به آیین یهود یا نصرانیت وارد می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۸۱). در اهمیت تأثیر عوامل محیطی، همین بس که پسر حضرت نوح علیه‌السلام با اینکه از صلب پاک نبی خدا بود، در اثر همنشینی با کافران و بدکاران، مستحق عذاب الهی گردید (هود: ۴۶) و پیامبر خدا با نصایح خود نیز نتوانست او را نجات دهد.

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کهف روزی چند

پی نیکان گرفت و مردم شد

۳. اراده

نوعی توانایی روانی ویژه انسان که شخص بر اساس آن، می‌تواند در قلمرو خاصی، تأثیرات زیستی و محیطی را تحت تسلط خود در آورد و رفتار خود را آگاهانه انتخاب کند، «اراده» خوانده می‌شود (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴۵). اگرچه بسیاری از روان‌شناسان نقش اراده را نادیده گرفته‌اند، اما روان‌شناسان انسان‌گرا مانند مزلو بر اختیار و اراده آزاد انسان تأکید دارند (همان، ص ۲۴۸). اندیشمندان اسلامی معتقدند: عوامل وراثتی و محیطی

انکار است. در روایات اسلامی، برخی صفات شخصیتی به عوامل ذاتی و ارثی نسبت داده شده است. برای نمونه، در روایت شریفی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده است: «همانا فرزندان آدم در دسته‌های گوناگونی خلق شده‌اند: کسانی که دیر غضب می‌کنند و زود آرام می‌شوند؛ افرادی که زود به هیجان می‌آیند و زود آرام می‌شوند؛ و کسانی که زود به خشم می‌آیند و دیر آرام می‌شوند. آگاه باشید که بهترین آنها افرادی هستند که دیر خشم می‌گیرند و زود آرام می‌شوند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۳۹۹).

عبارت «خلق» در روایت، به جنبه‌های وراثتی نظر دارد. در آیه‌ای از قرآن کریم، خداوند با تشبیه یک امر معقول به محسوس، به قانون وراثت اشاره کرده است. خداوند می‌فرماید: «سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید. اما سرزمین‌های بد طینت (شوره‌زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید» (اعراف: ۵۸). در حدیث شریفی، امام صادق علیه‌السلام نقش استعداد‌های وراثتی متفاوت افراد در اعمال و رفتارهای روزانه را تأیید کرده‌اند: «مردمان همانند معادن طلاق و نقره هستند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۷۷).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که والدین پاک، زمینه تولد فرزندان پاک، و والدین آلوده، زمینه تولد فرزندان آلوده را پدید می‌آورند. با توجه به آنچه ذکر شد، به نظر می‌رسد عوامل وراثتی نقش زمینه‌ساز را به عهده دارند.

۲. محیط

عامل دیگری که در انحراف انسان مؤثر است، محیطی، اعم از محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی و جغرافیایی است. در بین روان‌شناسان، رفتارگرایان جایگاه ویژه‌ای برای عوامل محیطی قایلند (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۸۳، ج

(قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳۰). مقصود از «بلا»، گرفتاری‌ها و مصایبی است که انسان بدان‌ها دچار می‌گردد و صدماتی را در ابعاد گوناگون بر انسان وارد می‌سازد.

سبب بلا

فلسفه وجودی بلا نسبت به هر کس، متفاوت است:

۱. **ارتقای درجه:** برخی روایات هدف از نزول بلا و گرفتاری‌ها را نیل به ثواب و ارتقای درجه ذکر کرده و بلا را تحفه‌ای ارزشمند از جانب خدا دانسته‌اند. از جمله این روایات، روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام است که می‌فرمایند: «به راستی که خداوند، دوستانش را مصیبت زده و گرفتار می‌کند تا به آنها اجر و ثواب دهد، بی‌آنکه گناهی کرده باشند» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۵۱).

۲. **کفاره گناهان:** گاهی بلا نازل می‌شود تا کفاره گناهان باشد. «کفاره» یعنی: پوشانیدن. بلایی که کفاره گناه است در واقع، پوشاننده گناه است و گنه‌کار را از زندان گناهانش آزاد و پاک می‌سازد. از این رو، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هیچ رگی نلرزد و پایی برنخورد و سری درد نگیرد و بیماری نیاید جز برای گناهی (که از بنده سر زده است)» (همان، ص ۱۱۹). در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هرگاه خداوند نسبت به بنده‌اش، اراده بدی نماید، گناهانش را نگه می‌دارد تا او را در روز قیامت، به واسطه گناهانش مجازات کند، و هرگاه به بنده‌اش اراده خیر کند در مجازات او در دنیا شتاب می‌کند» (دیلمی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۲۸).

۳. **کیفر گناهان (عذاب):** دنیا دار مجازات نیست، اما برخی گناهان موجب تسریع در نزول عذاب می‌شوند و گنه‌کار در این دنیا نیز نتیجه اعمال ناشایست خود را می‌بیند. خداوند در قرآن، در خطابی عام به مؤمنان و کفار (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۹۲) می‌فرماید: ﴿وَمَا

زمینه روانی و شرایط محیطی را برای بروز رفتاری خاص، مهیا می‌سازند. اما اراده در قلمرو رفتارهای آگاهانه و اختیاری، عاملی فعال و تعیین‌کننده است (همان، ص ۲۲۵). تحقیقات صورت‌پذیرفته در ایالات متحده نشان می‌دهد: ضعف اراده و عزت نفس زمینه بسیاری از آسیب‌های اخلاقی را فراهم آورده است و هر اندازه مهارت‌های گوناگون، مانند تقویت اراده و عزت نفس در نوجوانان تقویت شود، احتمال درگیر شدن در انواع آسیب‌ها، از جمله بی‌بندوباری و انحرافات جنسی و اخلاقی کاهش می‌یابد (مؤسسه رشد جوان، ۱۳۹۳). از این رو، مهم‌ترین و مؤثرترین مانع در برابر گناه، «اراده» است. در آیات قرآن، آیات متعددی در باب اراده و اختیار انسان وجود دارد که نشان‌دهنده تأثیرگذاری اراده در گزینش راه صحیح یا غلط است. در قرآن کریم، خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان: ۳)؛ ماره‌ارابه‌ا و نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس. بنابراین، انسان نباید به صرف وجود وراثت آلوده یا محیط آلوده، از رسیدن به کمال و سعادت مأیوس شود، بلکه با همت و اراده محکم، می‌توان تأثیر دو عامل دیگر را خنثا نمود؛ زیرا این اسباب به تنهایی علت تام برای سعادت یا شقاوت کسی محسوب نمی‌شود، بلکه مجموع این اسباب انسان را به سوی خوبی‌ها یا بدی‌ها سوق می‌دهند، هرچند در این میان، اراده از اهمیت بیشتری برخوردار است.

بلا

«بلی» به معنای کهنه شدن است. به غم و مصیبت و اندوه از روی سبب «بلاء» می‌گویند که بدن را کهنه و فرسوده می‌کند. امتحان را بدان سبب «ابتلاء» می‌گویند که گویا ممتحن امتحان شده را از کثرت امتحان کهنه می‌کند

هرگاه پیمان‌کاهش یابد (کم‌فروشی کند) خداوند آنها را به خشکسالی و کم‌محصولی گرفتار می‌سازد. و هرگاه از پرداخت زکات سرباز زند زمین برکات خود را از (قبیل) زراعت و میوه‌جات و معادن، از آنها دریغ می‌کند (صدوق، ۱۳۶۷، ص ۵۷۳).

در فرازی از دعای «کمیل» می‌خوانیم: «اللهم اغفر لی الذنوبَ التي تُغَيِّرُ النِّعَمَ» (قمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷)؛ خدایا، بر من ببخش گناهی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهند. گناه زمینه نزول عذاب الهی را فراهم می‌آورد و در چنین شرایطی، جامعه از بلا و عذاب در امان نمی‌ماند. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «هرگاه، خداوند - عزوجل - بر (مردم) شهری خشم گیرد (به واسطه گناهانشان) و نخواهد بر ایشان عذاب نازل کند، نرخ‌ها (قیمت اجناس) بالا رود و عمرها کوتاه شود و بازرگانان سود نبرند و میوه‌ها شاداب و سالم نگردد و آب قنات‌ها و چشمه‌ها فراوان نشود و باران‌ها را خدا از آن شهر بازدارد و مردمان فرومایه و شرور را بر آن مسلط گرداند» (طوسی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۱۳).

بسیاری از انسان‌ها تا زمانی که غرق نعمت هستند، قدر آن را نمی‌دانند، اما وقتی نعمت وسعت رزق، سلامتی، طول عمر، فرزند صالح و مانند آنها از ایشان گرفته شود، زبان به شکایت می‌گشایند، درحالی‌که از سنت‌های الهی غافلند قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان، آنچه را در خودشان است تغییر دهند.

اصل «تنعم» برای عموم بندگان برقرار است، تا زمانی که خودشان تغییر در نعمت را خواستار شوند (به واسطه ارتکاب گناهان). در این صورت، بلاها و مصایب در

أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰)؛ و هر مصیبتی که به شما می‌رسد به خاطر کارهایی (گناهانی) است که انجام داده‌اید و (خدا) بسیاری از (گناهانتان) را نیز عفو می‌کند.

تأثیر گناهان در نزول بلا

از دیدگاه جهان‌بینی الهی، بر جهان طبیعت، قانون «علیت» حکمفرماست و اعمال هرکس در دنیا و آخرت، دارای نتیجه است. خداوند متعال، به واسطه اسباب، سنت‌های خود را بر عالم جاری می‌کند؛ از جمله، بین گناهان و نزول بلاها، رابطه علی و معلولی برقرار ساخته است. به عبارت واضح‌تر، بلا و عذاب مکافات عمل و اثر وضعی گناهان هستند، و این مکافات بستگی به کوچکی یا بزرگی گناه دارد (نادری کلرودی، ۱۳۸۲، ص ۵۹). جهان‌بینی الهی، علاوه بر تأیید قوانین مادی، قوانین معنوی را نیز دخیل می‌داند. این نوشتار به تبیین کیفیت تأثیر گناهان در نزول بلا می‌پردازد:

۱. **تغییر نعمت:** در منطق دینی، دوری از فرامین الهی علت بسیاری از خشکسالی‌ها، قحطی‌ها، مر و میرهای ناگهانی و کوتاهی عمر و آفت‌ها ذکر شده است. خداوند بزر می‌فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آورند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» (اعراف: ۱۹۶). با استمداد از مفهوم آیه، به این نکته ظریف می‌توان رسید که پای‌بند نبودن به آموزه‌های دینی عامل کاهش رحمت و برکت الهی و تغییر نعمت‌هاست. از منابع دینی به دست می‌آید: هر گناهی نوع خاصی از تغییر نعمت را به دنبال دارد. امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: «هرگاه، زناکاری پیدا شود مر ناگهانی زیاد می‌گردد.

قالب تغییر و سلب نعمت‌ها بروز می‌کند. این نوع بلاها دارای شدت بیشتری هستند؛ زیرا افراد غرق در نعمت و آسایش بوده، به ناگاه، با سلب نعمت، سختی بر آنان وارد می‌شود و تحمل آن، برایشان مشکل‌تر است.

برخی از گناهانی که سبب تغییر نعمت می‌شود عبارت است از: حرام‌خواری زیاد که موجب سلب روزی می‌شود (محمدری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۰۵۹)؛ قطع رحم که زوال نعمت را در پی دارد (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۸۶)؛ غنا که مانع نزول ملائکه می‌شود (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۶)؛ ترک عمل خیری که به آن عادت شده است (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۲۷۱)؛ ترک کردن امر به معروف (همان)؛ ترک کردن شکر و کفران نعمت (همان). از آنجاکه کفران نعمت در وفور نعمت بیشتر اتفاق می‌افتد (اسراء: ۶۷)، رعایت تقوا در حال وفور نعمت، سخت‌تر از رعایت آن در زمان فقدان یا کمبود نعمت است. نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من از ابتلای به راحتی بیش از ابتلای به سختی بر شما می‌ترسم. شما به سختی‌ها آزمایش شدید و صبر کردید، ولی دنیا شیرین و سرسبز است (فریبنده است) (محمدری شهری، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۹۰). خلیفه دوم در تأیید این مطلب گفت: «ما به سختی‌ها آزمایش شدید و صبر کردیم، ولی وقتی به خوشی‌ها آزمایش شدید، صبر نکردیم» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۶۱).

لازم به ذکر است که یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند، که تضمین‌کننده حیات اهل زمین است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۵)، حضور ولی خداست. در حدیثی از امام عصر (عج) آمده است: «خداوند به واسطه من، بلا را از خاندانم و شیعیانم دور می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۳۰).

۲. اجابت نشدن دعا: ارتکاب برخی از گناهان سبب اجابت نشدن دعا می‌گردد. این سخن مستند به روایتی از امام محمدباقر علیه السلام است که فرمودند: «به راستی، بنده از خدا حاجتی می‌خواهد و خدا زودتر یا دیرتر در پی روا کردن حاجت اوست. اما آن بنده در این میان، گناهی می‌کند و خدای تبارک به فرشته‌ای که موکل حاجت اوست، می‌فرماید: حاجتش را برآورده نکن و او را از آن محروم ساز؛ زیرا متعرض من شد و مستحق محرومیت از سوی من گردید» (مفید، ۱۴۲۵، ص ۳۲).

شاکله اصلی دعا ارتباط با خداست. آن‌گاه که از بنده گناهی سر می‌زند، دیگر دعاهاى او به درگاه خدا نمی‌رسد. بنابراین، هر بلا و مصیبتی ممکن است بر سرش فرود آید؛ زیرا دعا و استغفار، خود سبب دفع بلا می‌شود. زمانی که دعا اجابت نشود، پناهگاه محکم انسان از میان می‌رود. گناهان به دو صورت مانع اجابت دعا می‌شوند:

۱. گناه توفیق دعا را سلب می‌کند، به گونه‌ای که گناه کار حتی موفق به دعا نیز نمی‌شود، چه رسد به اجابت آن. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمایند: «به راستی، بنده گناهی می‌کند و بر اثر آن، از نماز شب محروم می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲۵). «محرومیت از نماز شب» به معنای سلب توفیق از دعا و استغفار است.

۲. گناه سبب حبس دعا می‌شود. «حبس» به معنای «زندانی شدن» است؛ بدین معنا که اگر شخص دعا کند دعایش بالا نمی‌رود تا اجابت گردد. در فرازی از دعای «کمیل» می‌خوانیم: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدّعا» (قمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷)؛ خدایا بر من ببخش گناهانی که دعا را حبس می‌کنند.

براساس منابع دینی، برخی از گناهان که مانع اجابت دعا می‌شوند، عبارتند از: قطع رحم (نوری، ۱۴۰۷، ج

جمله دعا می‌گردد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (مائده: ۲۷)؛ خداوند فقط از پرهیزگاران قبول می‌کند. با اجابت نشدن دعا - همچنان‌که گذشت - انسان آماج حوادث و بلاهای روزگار قرار می‌گیرد و پناهگاه معنوی خود را از دست می‌دهد.

براساس منابع دینی، گناهایی که موجب حبط اعمال می‌شوند سه دسته‌اند:

۱. عوامل رفتاری حبط عمل؛ نظیر آشکار کردن زشتی‌ها (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۶۲)؛ نگاه زن شوهردار به نامحرم (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۴)؛ ترک نماز (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۱۲)؛ فحشا و منکرات (همان، ص ۷۳)؛

۲. عوامل اعتقادی حبط عمل؛ همچون نارضایتی از خدا (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۲)؛ ارتداد (بقره: ۲۱۷)؛ نفاق (احزاب: ۳۳)؛ دشمنی با امیرالمؤمنین علی علیه السلام (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۳)؛

۳. عوامل اخلاقی عمل؛ همانند منت گذاردن و اذیت کردن (بقره: ۲۶۴)؛ ریاکاری (صدوق، ۱۳۶۷، ص ۲۵۵)؛ افترا (همان، ص ۲۸۵)؛ نق زدن زن به شوهرش (صدوق، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۴۴۰)؛

۴. **نقمت:** منظور از «نقمت» همان عذاب‌های زمینی و آسمانی است که در اثر گناه، بر انسان نازل می‌شود. گناه به دو صورت می‌تواند در نزول عذاب مؤثر باشد:

۱. به صورت استدرج و تجدید نعمت؛ در روایت شریفی ذکر شده است: «بنده‌ای است که گناهی می‌کند و نعمت او با وجود آن گناه تجدید می‌شود و آن نعمت، او را از استغفار از این گناه بازمی‌دارد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۵۷).

۲. به صورت استیصال؛ در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «پدرم فرمودند: به راستی که خدا به طور

۱۵، ص ۱۸۵)؛ حق‌الناس (صدوق، ۱۳۶۷، ص ۶۲۱)؛ تظاهر به دین‌داری (همان، ص ۵۷۵)؛ خوردن لقمه حرام (طبرسی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵)؛ ظاهر شدن ربا در بین مسلمانان (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۷۴)؛ بددهنی و فحاشی (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۲۷۱)؛ تأخیر نمازهای واجب تا وقت بگذرد (همان)؛ نفاق با برادران دینی (همان).

۳. **حبط اعمال:** در لغت، به معنای «فاسد کردن و هدر دادن» است (مقری فیومی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱۸). «حبط عمل» در اصل، به معنای «باطل ساختن عمل و پاداش ندادن بر آن از جانب خدا» است (حسینی دشتی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۶۷). در اصطلاح، «احباط» به از میان رفتن ثواب یا استحقاق ثواب یا دیگر آثار عمل نیک به وسیله گناه اطلاق می‌شود. «احباط» و واژه‌های هم‌ریشه آن در قرآن ۱۶ بار به کار رفته است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۹۱).

«احباط عمل» یکی دیگر از سنت‌های الهی است که موجب از بین رفتن حسنات گنه‌کار می‌گردد. آثار وضعی برخی از گناهان به حبط حسنات و پاداش آنها می‌انجامد و منحصر به موارد خاصی می‌شود که در دین اسلام بیان شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «مردمانی از امت خود را می‌شناسم که در روز قیامت، حسناتی به سفیدی کوه‌های تهامه عرضه می‌کنند، اما خداوند همه آنها را پودر و پراکنده می‌کند. بدانید که آنها برادران هم‌تبار شمایند و شب‌ها نیز همچون شما عبادت می‌کنند، اما مردمی هستند که چون با محرمات الهی روبه‌رو شوند، آنها را مرتکب می‌گردند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۹۱).

همچنین گناه نه‌تنها باعث زایل شدن اعمال خیر می‌شود، بلکه مانع پذیرفته شدن اعمال شایسته انسان، از

دست از معاصی بردارید که اگر این حیوانات چرنده و کودکان شیرخوار و پیران نمازگزار سال خورده نبودند آنچنان بر شما عذاب سرازیر می نمود که له شوید» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰۳). باید به این نکته توجه شود که مؤمنان هم مانند کافران ممکن است بر اثر ارتکاب برخی گناهان، مستوجب عذاب و قهر الهی گردند. در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند منتظر رسیدن بلا و عذاب الهی باشند» (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۴).

از جمله گناهانی که خداوند در عقوبت دنیوی آنها شتاب می کند و تا آخرت به تأخیر نمی اندازد عقوبت والدین، ظلم به بندگان و بدی کردن در مقابل احسان دیگران است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۳، ص ۳۸۱). در قرآن کریم، خداوند می فرماید: «تا وقتی تو (ای پیامبر) در میان آنها هستی، خداوند آنها را عذاب نخواهد کرد و (نیز) تا وقتی استغفار می کنی خداوند عذابشان نمی کند» (انفال: ۳۳). از این آیه، استفاده می شود که عذاب، زمانی بر مسلمانان نازل می شود که استغفار را ترک کنند و به گناهان روی آورند، گناهانی که سبب نزول عذاب در دنیا و آخرت می شود عبارت است از: شکستن پیمان ذمی (اهل کتاب)؛ ترک احسان، هرزگی، نپرداختن زکات، زنا، حکم به ناحق دادن، قطع رحم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۴۷)؛ غنا (خوانندگی) (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۶).

تحقیقات نشان می دهد بین پایبند نبودن به آموزه های دینی (گناه) و آسیب های گوناگون فردی - اجتماعی مثل ناامنی، بزهکاری، قتل، خودکشی و انحرافات گوناگون رابطه مستقیمی وجود دارد. تحقیق صورت پذیرفته نشان می دهد سست شدن پایه های معنوی و ضعف عقیده و رفتار دینی در مراحل رشد، با شیوع رفتار بزه کارانه ارتباط

حتم، حکم فرموده است که نعمتی به بنده خود ندهد که آن را از او بازگیرد، تا آن بنده گناهی انجام دهد که سزاوار نعمت شود» (همان، ص ۱۲۹).

عَلَّامَه طباطبائی سنت «استدراج» را چنین تقریر کرده است: اگر جوامع بشری بر طبق اقتضای فطرت عمل نمایند، خیرات و برکات خداوند بر آنها سرازیر می شود، ولی اگر به سوی فساد گرایش پیدا کنند، سبب اجرای سنت «بازتاب» اعمال می گردند و در دنیا به کیفر برخی از گناهان خود می رسند، مگر اینکه پای سنت دیگری از سنت های خداوند به میان آید؛ یعنی سنت «استدراج» و «املا» که در این صورت، به جای چشاندن نمونه ای از آثار سوء اعمالشان، خداوند درهای نزول نعمت را بر آنان می گشاید تا روز به روز در فساد و غفلت، غوطه ور شوند و در پایان، تمام عوامل و اسباب برای هلاکت گناه کاران فراهم گردد و مورد عذاب الهی قرار گیرند» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۹۳).

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «هیچ سالی کم باران تر از امسال نیست... هرگاه جمعیتی مرتکب عصیان شوند خداوند بارانی را که در آن سال، برای آنها مقدر کرده است از آنها برمی گرداند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲۵). در قرآن کریم آمده است: «کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم باایمان، شیوع یابد، برایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است» (نور: ۱۹).

با وجود گناهان بی شماری که در سراسر نقاط دنیا اتفاق می افتد، خداوند رحیم به خاطر چند دسته از مخلوقاتش، عذاب خود را از مردم گنه کار دور می کند. امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «خدا در هر روز و شب، ملائکه ای دارد که ندا می دهد: مهلاً مهلاً! ای بندگان خدا،

قَلْبُ ﴿ (ق: ۳۷)؛ این تذکری است برای کسی که قلب دارد. در روایات، مهم‌ترین هدیه الهی، «قلب سالم» ذکر شده است که خدا به بندگان صالح خویش عنایت می‌کند: «هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست بدارد به او قلب سلیم و اخلاق معتدل و شایسته می‌دهد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۷).

از قرآن کریم و احادیث استفاده می‌شود همان‌گونه بدن انسان گاهی سالم و گاهی بیمار است، قلب او هم گاهی سالم و گاهی بیمار می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (شعراء: ۸۸-۸۹)؛ روزی که مال و پسران برای انسان سودی ندارند، مگر کسی که با قلب سالم به سوی خدا برود. ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ (بقره: ۱۰)؛ در دل‌های ایشان بیماری (جهل و عناد) است. خدا بر بیماری آنها بیفزاید.

اما آنچه موجب تباهی و بیماری قلب می‌شود، طبق آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اعمال ناشایست و گناهانی است که انسان مرتکب می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (مطففین: ۱۴)؛ چنین نیست، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر قلب‌هایشان نشسته است. در برخی روایات، به صراحت مهم‌ترین عامل تباهی قلب، گناهان معرفی شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «چیزی بیش از گناه، قلب را فاسد نمی‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۶۸).

اما اینکه گناه چگونه موجب تباهی قلب می‌گردد، توسط اهل بیت علیهم‌السلام در قالب مثالی واضح، بیان شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هنگامی که شخصی مرتکب گناه می‌شود، در قلب او، نقطه سیاهی به وجود می‌آید. حال اگر توبه کند، از بین می‌رود، ولی اگر گناهان

دارد. از سوی دیگر، عقاید و عملکرد دینی - معنوی در خانواده یکی از عوامل اساسی در پیش‌گیری از انحرافات روانی - اجتماعی است (پسندیده، ۱۳۸۱، ص ۲۲۹).

در پژوهش دیگری، رابطه قوی بین خودکشی و ترک نماز به دست آمده است (همان، ص ۲۳۳). نتیجه تحقیق دیگری نشان می‌دهد بین حضور نیافتن در اجتماعات مذهبی (دوری از عبادات و تکالیف جمعی) و ابتلا به بیماری‌های حاد قلبی ارتباط مستقیمی وجود دارد (همان، ص ۲۳۸). تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که در آمریکای شمالی به طور فعال مذهبی هستند نسبت به افراد غیرمذهبی، احتمال کمتری برای بزهکار شدن یا سوء مصرف مواد یا الکل و یا طلاق و خودکشی دارند. آنان حتی از لحاظ جسمی سالم‌ترند و عمر طولانی‌تری دارند (هادیان‌فر و مظفری، ۱۳۸۸، ص ۸۸-۸۹). تحقیقات در ایالات متحده نشان می‌دهد دختران دارای رابطه جنسی، چهار برابر و پسران دو برابر بیشتر سعی دارند (نسبت به کسانی که پرهیز می‌کنند و عفت می‌ورزند) خودکشی کنند (مؤسسه رشد جوان، ۱۳۹۳).

۵. آسیب‌های روانی - شخصیتی: در آموزه‌های دینی، واژه «قلب» جایگاه ویژه‌ای دارد. قلب مهم‌ترین سرمایه انسان است که سعادت و شقاوت وی به آن بستگی دارد. علامه طباطبائی درباره چیستی قلب می‌فرماید:

در حقیقت، قلب همان جان آدمی است که با قوا و عواطف باطنی که مجهز است، به کارهای حیاتی خود می‌پردازد، و لکن بیشتر در قرآن کریم در آن چیزی که آدمی به وسیله آن درک می‌کند، استعمال می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۷۴؛ ج ۴، ص ۷).

خداوند در قرآن کریم، هدایت را از آن کسانی می‌داند که دارای قلب سلیم باشند: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ

دینی به سلامت شخصیت کمک می‌کند و تضعیف باورها و رفتارهای دینی شخصیت را دچار آسیب می‌کند. نقش دین و پای‌بندی به آموزه‌های آن در افزایش سلامت روانی موضوعی است که محور پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی قرار گرفته است (پسندیده، ۱۳۸۱، ص ۲۲۸-۲۳۷). یونگ در کتاب روان‌شناسی و دین می‌نویسد:

کاملاً متقاعد شده‌ام که اعتقادات و مناسک دینی لاقفل از لحاظ بهداشت روانی، اهمیت خارق‌العاده‌ای دارند. با اطمینان، می‌توان گفت که همهٔ بیمارانیم از آن‌رو احساس بیماری می‌کرده‌اند که چیزی را که ادیان زنده هر عصر به پیروان خود عرضه می‌دارند، از دست داده‌اند و هیچ‌یک از آنان قبل از باز یافتن بیش دینی خود، شفای واقعی نیافته است (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵-۱۷).

باورها و رفتارهایی از قبیل توکل به خداوند، صبر، دعا، زیارت، و مانند آن می‌تواند از طریق ایجاد امید به نگرش‌های مثبت موجب آرامش درونی فرد شود و تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش دهد. در مقابل، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روی آوردن به رفتارهای خارج از چارچوب دین و اخلاق، آسیب‌های روانی گوناگونی به دنبال دارد.

یافته‌های رکتور و همکاران (۲۰۰۳) در «مؤسسه ملی بهداشت کودکان و توسعه انسانی» ایالات متحده نشان می‌دهد که بیش از ۲۵ درصد دختران نوجوان درگیر ارتباط با جنس مخالف دچار آسیب‌های روانی مانند افسردگی بودند. مگ میکر در کتاب بیماری‌های شایع: چگونه رابطه جنسی نوجوانانمان را می‌گذرد؟ معتقد است: نوجوانانی که درگیر بی‌بندوباری‌های جنسی می‌شوند به

او زیاد شود، سیاهی قلب او را فرا می‌گیرد. پس از آن دیگر رستگار نخواهد شد (همان، ص ۲۷۱). بنابراین، قلب که مهم‌ترین سرمایه انسانی است، راز سلامت و سعادتش در گرو دوری از گناهان است.

نزدیک‌ترین معادل «قلب» در روان‌شناسی، واژه «شخصیت» و «روان» است که رابطه آنها با رفتارهای مذهبی بررسی می‌شود:

«شخصیت» عبارت است از: سازمانی پویا در درون انسان و متشکل از نظام‌های روانی - جسمانی است که ویژگی‌های رفتار و تفکر فرد را مشخص می‌کند (میردیکوندی، ۱۳۸۲، ص ۷۶). آلپورت، ملقب به پدر روان‌شناسی شخصیت، معتقد است: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت سالم وحدت و یکپارچگی است. نظام ارزشی دینی تنها نظامی است که می‌تواند به صورت کامل و مستمر، به شخصیت، وحدت و یکپارچگی ببخشد. اگر کسی دارای گرایش و جهت مذهبی خالصانه باشد، محصول جانبی این جهت خالصانه آن خواهد بود که دین چنین شخصی را حفظ کرده، از او مراقبت نماید و سلامت روان را برایش به ارمغان آورد (همان، ص ۸۰-۸۱).

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد: افرادی که رفتارهای سنجیده‌تری دارند و از رفتارهای پرمخاطره اجتناب می‌کنند و پای‌بندی اخلاقی - دینی بالاتری دارند و ویژگی‌های شخصیتی کارآمدتری دارند (رکتور و همکاران، ۲۰۰۵؛ میدلتون و همکاران، ۲۰۱۳) و افرادی که به رفتارهای پرخطر دست می‌زنند و درگیر مشکلات اخلاقی، مانند بی‌بندوباری و روابط جنسی خارج از ضوابط هستند در ویژگی‌های شخصیتی مانند احساس کارآمدی، اراده و تصمیم‌گیری دچار ضعف هستند (وانگ و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، تقویت باورها و رفتارهای

مزلو در سلسله نیازهای خود، «عزت نفس» را از نیازهای اساسی انسان برمی‌شمارد (همان، ص ۳۵۰). بالبی عزت نفس را بخشی از شخصیت می‌داند (بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۷۸).

به‌طورکلی، با توجه به تحقیقات به‌عمل‌آمده افراد دارای عزت نفس در مقابل انواع مشکلات زندگی، فشارهای روانی، تهدیدها و حوادث ناگوار طبیعی، مانند سیل و زلزله و بیماری‌های روانی (افسردگی، اضطراب، الکلیسم و اسکیزوفرنی) مقاوم و پایدارند (همان، ص ۱۵). کاهش عزت نفس، خودزمینه آسیب‌های روانی، به‌ویژه افسردگی، را فراهم می‌آورد. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند: فقدان عزت نفس ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های روانی است (همان، ص ۳۸). در بررسی‌های انجام‌شده بر روی افراد با عزت نفس پایین، علائمی همچون افسردگی، اضطراب، کاهش عملکرد و مشکلات بین فردی گزارش شده است (همان، ص ۷۹).

در آموزه‌های دینی، عزت نفس از ارزش بالایی برخوردار است، هرچند استعمال این واژه با معنای روان‌شناختی آن تفاوت‌هایی دارد. خداوند در قرآن، عزت واقعی را از آن خدا، رسول و مؤمنان واقعی می‌داند: «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و اهل ایمان است. در روایتی، از امیرالمؤمنین علیه السلام بالاترین فضیلت را «عزت نفس» معرفی کرده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «نفس خویش را عزیز بشمار و به هیچ پستی و دنائتی تن مده، گرچه عمل پست، تو را به تمنیات برساند؛ زیرا هیچ چیز با عزت نفس برابری نمی‌کند» (نهج البلاغه، ۴۰۷، ص ۴۰۱). برخی از روان‌شناسان معتقدند: افرادی که خودکنترلی بیشتری دارند از عزت نفس بالاتری برخوردارند

طور مستمر، آشفتگی‌های هیجانی را تجربه می‌کنند. درگیر شدن در این روابط، شرایط روانی را به وجود می‌آورد که «وسواس» نامیده می‌شود. این شرایط موجب می‌شود نوجوان با این تلقی، که آسایش موقت می‌تواند نیازهایش را تأمین سازد، به دنبال توهم رضایت ناشی از رابطه جنسی یا ماده مخدر می‌رود. در نهایت، بسیاری از نوجوانان بیشتر در افسردگی غوطه‌ور می‌شوند (مؤسسه رشد جوان، ۱۳۹۳).

یافته‌های زارعی و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد بین پای‌بندی ضعیف به حجاب با اضطراب، افسردگی، و نشانه‌های جسمانی، و نارسا‌کنش‌وری اجتماعی رابطه وجود دارد. از مجموعه یافته‌های تجربی به دست می‌آید که دین و رفتارهای دینی نقش مهمی در سلامت روان افراد ایفا می‌نمایند و در مقابل، دوری از اعتقادات مذهبی و رفتارهای دینی (ترک واجبات و انجام محرمات) منجر به شکل‌گیری انواع آسیب‌های روانی می‌گردد.

۶. کاهش عزت نفس: یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان، «عزت نفس» است. گناه موجب حقارت نفس شده، عزت نفس انسان را از بین می‌برد و این امر، آسیب‌های روانی مهمی در پی دارد. «عزت نفس» عبارت است از: حالت شکست‌ناپذیری و توان مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات و نپذیرفتن ذلت در موقعیت‌های دشوار زندگی که در اثر نوع عملکرد، در انسان پدید می‌آید (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰). امروزه عزت نفس نیاز مؤثر بشری دانسته شده است که سهم اساسی در فرایند زندگی بر عهده دارد و برای رشدی طبیعی و سالم، ضروری می‌نماید. آلپورت عزت نفس را از پایه‌های رشد نفس می‌شمارد و آن را سومین مرحله از مراحل رشد نفس می‌داند (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۹۱).

در حدیث دیگری، گناهان به نفوس حقیر نسبت داده شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «کسی که فرومایه است از کارهای پست جدایی ندارد» (همان، ص ۲۳۲).

۷. کاهش شادکامی: «شادکامی» از نیازهای روانی بشر است که تأثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی دارد. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که بین پای‌بندی به دستورات دینی و شادکامی رابطه‌ای مستقیم است؛ یعنی هر قدر افراد به تکالیف دینی بیشتر عمل می‌کنند شادی را بیشتر در زندگی تجربه می‌کنند. تحقیقات ویلسون نشان می‌دهد پای‌بندی به مذهب یکی از عوامل شادکامی به‌شمار می‌آید (هادیان‌فر و مظفری، ۱۳۸۸، ص ۸۳). تحقیق دیگری نشان داد: ایمان مذهبی اهمیت به مذهب، و سنت‌گرایی مذهبی معمولاً با شادمانی همبستگی دارد (همان). پژوهش دیگری نشان داده است: بین حضور در کلیسا و شرکت در گروه‌های مذهبی و ارتباط آن با شادمانی رابطه مثبتی وجود دارد (همان، ص ۸۹). همچنین ویلسون نشان داد افراد مذهبی پس از طلاق، بیکاری، بیماری جدی یا سو، قادرند نسبت به گروه کنترل، شادمان‌تر باقی بمانند (همان). در مقابل، پژوهش‌ها نشان می‌دهند پای‌بند نبودن به رفتارهای دینی شادکامی را کاهش می‌دهد. برای نمونه، کلسون (۲۰۰۳) با انجام پژوهش بر روی نوجوانان، دریافت: فعالیت‌های جنسی زودرس و خارج از ضوابط اخلاقی با کاهش شادی و استرس فردی مرتبط است. زارعی و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند بین ضعف پای‌بندی به حجاب با افسردگی و غمگینی رابطه‌ای مستقیم دارد. یافته‌های رجیبی (۱۳۸۹، ص ۲۱) نشان داد که دختران بدحجاب در مقایسه با دختران با حجاب، رضایت کمتری از زندگی داشتند. در متون دینی، ایمان و عمل صالح موجب شادکامی

(بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۴۴-۴۶). به‌طور کلی، افراد دارای عزت نفس با خود، دیگران و خدا رابطه سالم برقرار می‌کنند؛ از اهانت و تحقیر، غیبت، دروغ و دیگر گناهانی که از اسباب ذلت و خواری انسان است، می‌پرهیزند (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که رفتارهای مذهبی انجام می‌دهند، از حرمت و عزت نفس بالاتری برخوردارند (همان، ص ۲۰۵). در مقابل، پژوهش‌های متعددی رابطه بین گناه و کاهش عزت نفس را نشان می‌دهد. برای نمونه، رجیبی (۱۳۸۹، ص ۲۱) نشان داد که دختران بدحجاب و دخترانی که حجاب نسبی دارند در مقایسه با محجبه‌ها، حرمت خود و عزت نفس پایین‌تری دارند. زارعی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که ضعف پای‌بندی به حجاب زمینه کاهش عزت نفس و تصور از خود را در میان نوجوانان فراهم می‌آورد. رکتور و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند: نادیده گرفتن جنبه‌های اخلاقی و بی‌بندوباری جنسی موجب پرورش نسلی بدون عزت نفس خواهد شد.

در آموزه‌های دینی، راه کسب عزت نفس تبعیت از فرامین الهی معرفی شده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است: «خدای تعالی هر روز می‌فرماید: من پروردگار عزیز شما هستم. پس هر کس خواهان عزت دو جهان است باید که از خدای عزیز اطاعت کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷، ص ۱۲۰). و در مقابل، گناه، آفت عزت نفس معرفی شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که نفس شرافتمند و با عزت دارد هرگز آن را با پلیدی گناه، خوار و پست نخواهد ساخت» (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۳۳۹). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد، شهوات نفسانی در نظرش خوار و ناچیز می‌گردد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱).

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۰۷ق، قم، دارالهیجره.

ابراهیمی، ام‌الله و دیگران، ۱۳۸۱، «چکیده مقالات همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان»، علوم و حدیث، ش ۲۴، ص ۲۲۳-۲۴۰.

احمدی، محمدرضا، ۱۳۹۰، «نقش مناسک حج در اصلاح رفتار و کاهش ناپهنجاری‌ها»، معرفت، ش ۱۶۳، ص ۱۱-۳۴.

بحرینیان، سیدعبدالمجید و رضا ایلخانی، ۱۳۸۱، «بررسی رابطه اقدام به خودکشی با پایبندی به نماز در مرکز پزشکی لقمان»، چکیده مقالات همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، علوم و حدیث، ش ۲۴، ص ۲۲۳-۲۴۰.

بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۶، روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، چ پنجم، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان. بی‌ریا، ناصر و همکاران، ۱۳۸۳، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت.

پسندیده، عباس، ۱۳۸۱، «چکیده مقالات همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان»، علوم و حدیث، ش ۲۴، ص ۲۲۳-۲۴۰.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

حراعلمی، محمدبن حسن، ۱۳۹۸ق، وسائل الشیعه، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

حسینی دشتی، سیدمصطفی، ۱۳۶۹، معارف و معارف، قم، اسماعیلیان. حقیقی، حسین، ۱۳۶۵، «آثار گناه در زندگی پس از مرگ»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال بیست و شش، ش ۴، ص ۳۸-۴۳.

خسرویور، فرشید و غلامرضا ساردویی، ۱۳۸۱، «بررسی تأثیر ارزش‌های مذهبی در طول مدت درمان بیماران مبتلا به افسردگی اساسی»، چکیده مقالات همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، علوم و حدیث، ش ۲۴، ص ۲۲۳-۲۴۰.

دیلمی، حسن بن محمد، ۱۳۷۷، ارشاد القلوب، ترجمه سیدعبدالحسین رضایی، تهران، کتابفروشی الاسلامیه.

دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل‌البیت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دفتر نشرالکتاب.

رجبی، سوران، ۱۳۸۹، «بررسی میزان رعایت حجاب برتر در دانشجویان و تأثیر آن بر شادکامی»، بانوان شیعه، سال هفتم،

معرفی شده است: «فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (اعراف: ۳۵)؛ کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می‌شوند. از سوی دیگر، حزن و اندوه از عوارض گناه معرفی شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «چون گناه بنده بسیار گردد و چیزی از کردار (نیک) نداشته باشد که آن را جبران کند و کفاره آنها شود، خداوند او را به اندوه گرفتار سازد تا کفاره گناهانش گردد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۴). در روایت دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «چه بسا اندک شهوتی که اندوه و غمی طولانی به بار آورد» (حرعاملی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۵، ص ۲۱۰). بنابراین، گناه شادکامی انسان را به مخاطره می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

از منظر آموزه‌های دینی، یکی از عوامل نزول بلا و آسیب‌های فردی و اجتماعی، ارتکاب گناه است. در این مقاله، رابطه گناه با نزول بلا و چگونگی آن، بررسی شد. این امر به مدد یافته‌های تجربی تأکید گردید. نتایج حاصل از بررسی منابع دینی و یافته‌های تجربی، حکایت از آن دارد که گناه نزول بلا را به هفت شکل محقق می‌سازد: تغییر نعمت، اجابت نشدن دعا، احباط عمل، نعمت، آسیب‌های روانی - شخصیتی، کاهش عزت نفس، و کاهش شادکامی. از آنجا که نداشتن آگاهی از آثار وضعی و روان‌شناختی گناهان زمینه ارتکاب گناه را فراهم می‌آورد، ترویج و آگاهی‌بخشی آثار و پیامدهای گناهان در مراکز آموزشی و رسانه‌های جمعی زمینه پایبندی به رفتارهای اخلاقی، مذهبی را فراهم می‌آورد. همچنین آزمون نتایج پژوهش مذکور با انجام تحقیقات تجربی بر غنای کار می‌افزاید و موجب استحکام بحث شده، تأثیرگذاری آن را دوچندان می‌سازد.

- ش ۲۵، ص ۲۶-۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، *دایرةالمعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- سفید، محمدبن محمد نعمان، ۱۴۲۵ق، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مقری فیومی، محمدبن علی، ۱۴۲۵ق، *المصباح المنیر*، قم، دارالهجره.
- میردریگوندی، رحیم، ۱۳۸۲، «رابطه شخصیت با نظام های ارزشی از دیدگاه آلپورت»، *معرفت*، ش ۴۶، ص ۸۲-۷۶.
- مؤسسه رشد جوان، ۱۳۹۳، *بازگشت غرب به عفاف*، ترجمه محمد زارعی توپخانه، کرج، تلاوت آرامش.
- نادری کلرودی، مسعود، ۱۳۸۲، *بلایای طبیعی و مصائب*، قم، فضایل.
- نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۷ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آلالبیت.
- هادیان فر، حبیب و شهباز مظفری، ۱۳۸۸، «مروری بر شادمانی و همبسته های آن»، *حوزه و دانشگاه*، ش ۴۱، ص ۱۰۵-۸۲.
- Colson, C. 2003, *Twisting Reality: Teenagers, Sex, and Depression*, From http://townhall.com/columnists/chuckcolson/2003/06/17/twisting_reality_teenagers_sex_and_depression/page/full.
- Middleton, L. E. R. & et. al, 2013, *Understanding motivations for abstinence among adolescent young women: insights into effective sexual risk reduction strategies*, J Pediatr. Health Care., 27, 342-350.
- Rector, E. R. & et. al., 2003, *Sexually Active teenagers are more likely to be depressed and to attempt suicide*, Washington, The Heritage Foundation.
- Rector, E. R & A. Kirk, Johnson, 2005, *Teenage Sexual Abstinence and Academic Achievemen*, Washington, The Heritage Foundation.
- Wang, R. H., C. P. Cheng & F. H. Chou, 2009, "Predictors of sexual abstinence behaviour in Taiwanese adolescents: a longitudinal application of the transtheoretical model", J Clin, Nurs, v. 18, p. 1010-1017.
- رسولی محلاتی، هاشم، ۱۳۹۳، *کیفر گناه و آثار و عواقب خطرناک آن*، قم، بوستان کتاب.
- زارعی توپخانه، محمد و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان»، *روان شناسی و دین*، ش ۲۷، ص ۹۲-۸۱.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۳، *توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شریعتمداری، علی، ۱۳۸۵، *روان شناسی تربیتی*، تهران، امیرکبیر.
- شولتز، دوان پی، ۱۳۸۹، *نظریه های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، بی جان، جاویدان.
- ، ۱۳۶۷، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- ، ۱۳۶۱، *معانی الاخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۳۶۳، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، *تفسیرالمیزان*، بی جا، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۱، *مکسارم الاخلاق*، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۱، *امالی*، تصحیح بهزاد جعفری و علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس القرآن*، ج ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۶، *مفاتیح الجنان*، قم، دارالعلم.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره ای، قم، اسوه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *اصول کسافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۹، *حلیة المتقین*، تهران، گلی.
- ، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث.